رهیافتی تحلیلی به مفهوم «کما أنزل الله» در روایات و نسبت آن با تحریف قرآن و مصحف امیرالمؤمنین علیه‌السلام
علی جلائیان اکبرنیا (نویسنده مسئول)، محمدهادی بیات
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۱ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، تابستان ۱۴۰۵، ص ۴۹-۶۳

رهیافتی تحلیلی به مفهوم «کما أنزل اللّٰه» در روایات و نسبت آن با تحریف قرآن و مصحف امیرالمؤمنین علیه‌السلام

علی جلائیان اکبرنیا (نویسنده مسئول)[1]، محمدهادی بیات[2]

چیکده: مفهوم «کما أنزل الله» در شماری از روایات اسلامی به منزله شاهدی برای تمایز میان مصحف امیرالمؤمنین علیه‌السلام و قرآن رایج و حتی، به زعم عده ای، نشانه‌ای بر تحقق تحریف لفظی قرآن از حیث نقصان تلقی گردیده است. پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به تحلیل انتقادی روایات مذکور می‌پردازد تا روشن سازد تعبیر «کما أنزل الله» و عبارات مترادف آن واقعاً دلالت بر وجود تحریف لفظی یا اختلاف محتوایی میان قرآن فعلی و مصحف منسوب به امیرالمؤمنین علیه‌السلام دارند یا خیر. نتایج حاکی از آن است که ظاهر برخی روایات، موهم فرضیه تحریف لفظی قرآن‌اند؛ با این حال دسته‌ای دیگر، متضمن مفاد ثبات و عدم تحریف قرآن، شماری ناظر به قرائت صحیح و گروهی نیز اختصاص به محور تفسیری و محتوایی دارند. تحلیل تطبیقی و جامع این روایات آشکار می‌سازد که نه تنها هیچ یک به عنوان استناد بر وقوع تحریف لفظی قرآن یا تفاوت اصل مصحف حضرت علی علیه‌السلام با قرآن موجود نیست، بلکه تأکیدی روشن بر وثاقت متن وحی، لزوم قرائت صحیح، استواری هویتی قرآن و رجوع به معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام قلمداد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کما انزل الله، تحریف ناپذیری قرآن، قرائت، مصحف علی، احادیث تفسیری.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲؛ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰.

۱.
۲.

مقدمه

استعمال فراگیر عبارت «کما أنزل الله» و مشابه آن در متون روایی، از محورهای کلیدی مباحث مصونیت قرآن در سنت اسلامی به شمار می‌رود. این روایات گرچه به مسائل مختلفی اشاره دارند ولی همه در برجسته کردن مفهوم «آنگونه که خداوند نازل کرده» مشترک هستند. در برخی منابع، این تعبیر بر متفاوت بودن مصحف منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نسبت به قرآن کنونی و حتی وقوع تحریف لفظی، تفسیر شده است. با این حال، فقدان پژوهشی جامع و روشمند پیرامون ناظرها و گستره مفهومی این تعبیر، ضرورت بررسی انتقادی و تحلیل ساختار معنایی این روایات را ایجاب می‌کند.

با توجه به عدم دستیابی به پژوهشی که به بررسی روایات این باب پرداخته باشد، نوشته حاضر بر پایه ادبیات تخصصی، متون روایی و منابع تحلیلیِ اولیّه و ثانویه، می‌کوشد با شناسایی و تبیین دقیق «کما أنزل الله» در روایات، انواع دلالت‌های آن و نسبت احتمالی یا معارض آن با فرضیه تحریف لفظی و نیز نسبت آن با محتوای مصحف حضرت علی علیه‌السلام را واکاوی کرده، تبیین روشنی از حدود معنایی این عبارت ارائه کند.

۱. بررسی ادبی عبارت «کما انزل الله»

عبارت «کَما أَنزلَ الله» از حیث ساختار نحوی مرکب از حرف جر «کاف» و «ما» بوده که حسب تحلیل صرفی «ما» موصول مشترک یا نکره موصوفه یا مصدر است (یعقوب، ۱۳۶۷: ۵۵۴). دلالت رایج این ترکیب -در سازگارترین چهره با سیاق روایات- بر معنای «همانگونه که خداوند فروفرستاده» است و غالباً ناظر به اصالت، ماهیت وحیانی، جامعیت یا قرائت راستین تلقی شده است.

۲. دسته بندی روایات

مطالعه انتقادی روایات واجد عبارت «کما أنزل الله» نشان می‌دهد که این روایات دست کم به چهار طبقه معنایی تقسیم پذیرند:

۱. روایات ناظر به تفسیر واقعی و محتوای قرآن کریم

۲. روایات ناظر به قرائت صحیح و اصیل قرآن
۳. روایاتِ دال بر ثبات و عدم تحریف لفظی قرآن
۴. روایاتِ موهم تفاوت نظم آیات و سور و وقوع تحریف لفظی قرآن

الف) روایات ناظر به تفسیر واقعی و محتوای قرآن

مفهوم «کما أنزل الله» در برخی روایات، ناظر بر حقیقت اصیل و تفسیر واقعی قرآن است.

یک. روایات پیرامون جمع واقعی قرآن توسط ائمه علیهم‌السلام

در روایتی از امام باقر علیه‌السلام تصریح شده است که گردآوری و دستیابی به حقیقت جامع قرآن (کما أنزل الله) منحصر به ائمه معصوم علیهم‌السلام است؛ ایشان می‌فرمایند:

«مَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ يَقُولُ إِنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا كَذَّابٌ وَمَا جَمَعَهُ وَمَا حَفِظَهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۱، ۱۹۳)؛

ادعای انحصاری نسبت «جمع و حفظ قرآن کما أنزل الله» به ائمه، صرفاً به معنای ضبط و حفظ الفاظ نیست؛ بلکه مصداقی روشن از رویکرد عمیق به مسئله مرجعیت علمی امامان در ارتباط با قرآن است و نشانه احاطه آنان بر ابعاد وحی، اعم از باطن و ظاهر، ناسخ و منسوخ و... است وگرنه معنا ندارد هم امام علی آن را جمع کرده باشد و هم ائمه بعدی، بلکه منظور نگهداری و تفسیر صحیح است. (ایازی، ۱۳۸۰: ۳۶/۱) علاوه بر اینکه در تعدادی از روایاتِ موازی، جمع قرآن یا فهم کما انزل الله را به غیر ائمه، حتی برخی مخالفان مثل خوارج، نسبت داده است. (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲۲۶/۲ و کوفی، ۱۴۱۰: ۲۵۸) بنابراین عنصر محوری روایت، کشف و شهود همه جانبه نسبت به حقیقت وحی و سندی دیگر در راستای اثبات اصالت، تمامیت و صیانت متن قرآن است.

دو. کما أنزَلَ الله بودن مصحف امام علی علیه‌السلام

حضرت علی علیه‌السلام پس وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و فراغت از جمع قرآن کریم، آن را میان اصحاب آورد و فرمود:

«هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَلَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْفٌ» (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۸۶) حاضران در مسجد به آن نگاهی انداختند و گفتند: «نیازی به آن نداریم چراکه مثل آنچه نزد توست، پیش ما نیز هست.» (همان)

در این نقل، حضرت «کما انزل الله» را ویژگی مصحف خویش برشمرده است. برخی این تعبیر را اشاره به ترتیب مصحف حضرت بر اساس نزول می‌دانند. (مفید، ۱۴۱۳: ۷۹) و (معرفت، ۱۳۸۸: ۲۹۲/۱-۲۹۵ و همو؛ ۱۳۷۹: ۱۱۳/۱) اما بررسی دقیق روایت گویای آنست که هیچ دلالتی بر این امر ندارد، زیرا حضرت خود در توضیح معنای کما انزل می‌فرماید: «نه حرفی به آن افزوده و نه حرفی از آن کاسته شده است.» پس «کما انزل» در این روایت به معنای ترتیب قرآن بر اساس نزول و مانند آن نیست، بلکه به معنای سلامت مصحف از زیاده و نقصان است. (ر.ک: حیاتی، مهدی: ۶۳، ۱۴۰۳ش)

پاسخ حاضران در مسجد نیز دلالت دارد که قرآن در آن زمان جمع شده و بین مردم وجود داشته و از لحاظ ظاهر و ترتیب تفاوتی با آنچه حضرت گردآورده بود، نداشته است. یعنی نه چیزی از آن کم و نه چیزی به آن اضافه شده بود. لذا در جواب می‌گویند: «مثل آنچه نزد توست، نزد ما وجود دارد.»

همین محتوا در روایت دیگری به نقل از امام صادق علیه‌السلام نیز آمده است. (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۳/۱).

استاد مهدوی راد در جمع بندی این دست از روایات می‌نویسد:

«این سخن، اثبات کردنی نیست و... عباراتی چون «علی ما أنزل الله» و «کما انزله الله» که یاد شده، بر اینکه آن مصحف بر اساس نزول تنظیم شده و ترتیب نزولی داشته است، دلالت ندارد. (مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۳۷۱).

در گره گشایی از مفهوم «کما انزل» پذیرفته نشدن مصحف حضرت از سوی حاضران در مسجد بسیار موثر است. چه اینکه، مصحف امام علی علیه‌السلام، نسخه ویژه‌ای بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله املا فرموده بودند و علاوه بر متن قرآن، حاوی تأویل، تفسیر و تبیین آیات بود. (کلینی، محمد بن یعقوب: ۱۴۰۷، ۶۴/۱)؛ آنچه باعث شد مصحف حضرت پذیرفته نشود،

متن قرآن نبود، بلکه تاویل و تفسیرهای موجود در مصحف حضرت بود که با خلافتی که بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شکل گرفته بود هماهنگ نبود. پذیرش مصحف حضرت علی علیه‌السلام، مساوی با پذیرش ولایت و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام بود که بر خلاف جریان خلافت بود.

در نتیجه تعبیر «کما نزل» در این دست از روایات به تفاوت قرآن و مصحف حضرت علی علیه‌السلام با قرآنِ نزد مردم، دلالتی ندارد و نمی‌تواند حاکی از تحریف لفظی قرآن باشد.

سه. مصحف فاطمه علیهاالسلام حاوی قرآن کَما اُنزِلَ

حضرت زهرا علیهاالسلام کتابی به نام مصحف داشتند که حاصل املای جبرئیل و نگارش حضرت علی علیه‌السلام بود. در توصیف این مصحف از عبارتی استفاده شده که ناظر به «کما انزل» بودن قرآن است:

«... وَفِيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَمَا أُنْزِلَ، وَعِلْمُ التَّوْرَاةِ كَمَا أُنْزِلَتْ... » (طبری، ۱۴۱۳: ۱۰۶)

وصف «کَما أنزل» برای قرآن و تورات دلالت دارد که محتوای اصیل و تبیین صحیح این دو کتاب آسمانی نزد خاندان عصمت و طهارت و در مصحف حضرت زهرا علیهاالسلام است.

این روایت نیز ناظر به حقیقت قرآن است و دلالت بر تحریف لفظی قرآن نمی‌کند.

ب) روایات ناظر به قرائت صحیح و اصیل قرآن

برخی از روایاتِ حاوی عبارت «کما انزل»، ناظر به قرائت صحیح و تلفّظ دقیق کلمات قرآن است:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَقْرَأَ الْقُرْآنَ غَضّاً كَمَا أُنْزِلَ فَلْيَقْرَأْهُ عَلَى قِرَاءَةِ ابْنِ أُمِّ عَبْدٍ» (شریف الرضی، ۱۴۲۲: ۳۲۱)؛

این روایت به منظور اینکه قرآن دستخوش تغییر تدریجی در قرائت نشود و از تحریف در امان ماند پیشنهاد می‌کند قرائت (عبد الله بن مسعود) محور قرارداده شود. تعبیر «کما انزل» اینجا با توجه به سیاق، به معنای قرآن سالم از تغییر در واژگان و عبارات در جریان اختلاف قرائات است.

در روایتی از امام جواد علیه‌السلام نیز عبارت «کما أنزَلَ» ناظر به بُعد ادبی و قرائت قرآن است:

«مَا اسْتَوَى رَجُلانِ فِي حَسَبٍ وَدِينٍ قَطُّ إِلَّا كَانَ أَفْضَلُهُمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ادَبَهُمَا.

قَالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ عَلِمْتُ فَضْلَهُ عِنْدَ النَّاسِ فِي النَّادِي وَالْمَجَالِسِ فَمَا فَضْلُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؟ قَالَ: بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ كَمَا أُنْزِلَ وَدُعَائِهِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنْ حَيْثُ لا يَلْحَنُ وَذَلِكَ أَنَّ الدُّعَاءَ الْمَلْحُونَ لَا يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَ» (ابن فهد حلی، احمد بن محمد؛ ۱۴۰۷، ۲۳)؛

سیاق روایت و هم آیی قرائت قرآن به صورت «کَما أُنزِلَ» در کنار صحیح خواندن دعا و پرهیز از غلط گویی در آن، قرینه‌ای است بر اینکه مراد، صحیح تلاوت کردن قرآن است. پس این روایت بر لزوم قرائت صحیح و دقیق قرآن تشویق کرده و دلالتی بر تحریف لفظی آن ندارد.

ج) روایات دالّ بر ثُبات و عدم تحریف لفظی قرآن

در برخی روایات، مراد از «کما أنزل الله» متن قرآن، بدون هیچگونه اضافه تفسیری است.

یک. سفارش به قرائت قرآن کما أنزل

یک دسته از روایات مردم را به خواندن قرآن آنگونه که نازل شده فرامی خواند. (قمی، ۱۴۰۴: ۴۵۱/۲)؛ از امام باقر علیه‌السلام در خصوص تفسیر آیه‌ای سؤال شد، حضرت پس از پاسخ فرمودند:

«فَإِنَّمَا عَلَى النَّاسِ أَنْ يَقْرَءُوا الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ فَإِذَا احْتَاجُوا إِلَى تَفْسِيرِهِ فَالاهْتِدَاءُ بِنَا وَإِلَيْنَا» (کوفی، ۱۴۱۰: ۲۵۸)

عبارت «کما انزل» در این روایت، ابهام دارد و با توجه به سیاق، از بین می‌رود. روایت حاکی از آن است که قرآن متن و ظاهری دارد که همان نازل شده و بین مردم رایج است و تفسیری صحیح و هدایتی دارد که نزد پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام است. حضرت می‌فرماید: همین قرآن را آنگونه که نازل شده بخوانید و اگر نیاز به تفسیرش داشتید، تفسیر هدایتی به وسیله ما و از در خانهٔ ماست. در نتیجه «کما انزل» به تنزیل قرآن، همان گونه که نازل شده و تحریف نشده اشاره دارد.

پس این دسته از احادیث، بر عدم تحریف لفظی دلالت دارد.

دو. حفظ قرآن کما أنزل الله

در برخی روایات به ویژگی‌هایی از خوارج اشاره شده که «وَكَانُوا يَحْفَظُونَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲/۲۲۶)؛ یعنی قرآن را همان گونه که نازل شده بود، حفظ می‌کردند. در اینجا کلمه «کما أنزل» به ظاهر و تنزیل قرآن اشاره دارد، یعنی خوارج قرآن را با الفاظ و عباراتی که خدا نازل کرده بود، بدون هیچ گونه تبیین و توضیحی از سوی پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام حفظ می‌کردند. به همین دلیل، برداشت‌های آن‌ها صرفاً بر اساس ظاهر آیات بود و به لایه‌های عمیق آن دست نمی‌یافتند. مثلاً، آنها با شعار «لا حُكمَ إلاّ لِلّهِ» که از آیات قرآن برداشت شده است (أنعام، ۵۷؛ یوسف، ۴۰ و ۶۷)، به جنگ با قرآن ناطق، امیرالمؤمنین علیه‌السلام رفتند. حضرت علی علیه‌السلام با بیان «كَلِمَةُ حَقٍّ يُرادُ بِها الباطِلُ» (صالح، صبحی، ۱۴۱۴، ۸۲)؛ بطلان اعتقاد و فساد رأی شان را برملا کردند.

با توجه به سیاق روایت، واضح است که «کما انزل» در این دسته از روایات، اشاره به قرآنی دارد که بدون تفسیر و تأویل و بیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است، و این اصطلاحی برای نشان دادن حفظ قرآن، عاری از احادیث تفسیری است.

سه. اقرار به نزول قرآن کما أنزَل الله در ادعیهٔ مأثور

در برخی از دعاها به اصولی مانند توحید، رسالت، دین و «کما انزل الله» بودن قرآن شهادت داده می‌شود.

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَالإِسْلامَ كَمَا وَصَفَ وَالْقَوْلَ كَمَا حَدَّثَ وَالْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ» (مفید، الف ۱۴۱۳: ۸۴)

امام کاظم علیه‌السلام در این دعا، به بخشی از باورهای اساسی مسلمانان در قالب شهادت، اشاره می‌فرمایند. ایشان تصدیق می‌کند که آنچه دربارهٔ دین، اسلام، احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، و قرآن وجود دارد، همان است که در حقیقت بوده و هیچ تغییری نیافته است. تعبیر «وَالْكِتَابَ كَمَا أَنْزَلَ» گویای آن است که قرآن همان طور که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده، بدون تغییر باقی مانده است. از این رو، این دسته از احادیث بر عدم تحریف لفظی قرآن دلالت

دارند و اگر چنین نبود، شهادت به «کما أنزل الله» بودن آن، معنایی نداشت.

چهار. اقرار به نزول قرآن کما أنزَل الله در وصیت

در روایتی، امام صادق علیه‌السلام به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هنگامی که لحظهٔ احتضارِ شخص فرارسید و اطرافیان گرد او جمع شدند، فرد محتضر پیش از وصیت کردن این گونه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبَعْثَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْعَدْلَ وَالْقَدَرَ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الْقُرْآنَ حَقٌّ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا نَزَّلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ...» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۴/۹).

آنچه درباره قرآن در این روایت آمده مانند حدیث پیشین، حاکی اقرار به وحیانی بودن قرآن، حقانیت تمام محتوای آن و مصونیت آن از تحریف است.

د) روایاتِ موهم تفاوت نظم آیات و سور و وقوع تحریف لفظی قرآن

برخی از روایاتی که شامل تعبیر «کما أُنزل» هستند، بر اساس ظاهر الفاظ و شواهد کلامی، ممکن است در نگاه نخست دلالت بر احتمال وقوع تحریف داشته باشند.

یک. وجود نام ائمه در قرآن

تعدادی از روایات به ظاهر چنین می‌نماید که با قرائت قرآن «کما أنزل»، نام اهل‌بیت علیهم‌السلام در قرآن قابل مشاهده است (مفید، ب: ۱۴۱۳، ۷۹؛ ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۳۱۸).

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:

«أَمَا وَاللَّهِ لَوْ قُرِئَ الْقُرْآنُ كَمَا أُنْزِلَ لَأَلْفَيْتُمُونَا فِيهِ مُسَمَّيْنَ كَمَا سُمِّيَ مَنْ كَانَ قَبْلَنَا» (مفید، ب: ۱۴۱۳: ۷۹)؛

برخی محققان بر مبنای ظاهر الفاظ این دسته از روایات، آن‌ها را دال بر وقوع تحریف لفظی قرآن تلقی کرده‌اند (ر.ک: نجارزادگان: ۱۳۸۷: ۸۰). در ادامه به بررسی و تحلیل این روایت اشاره می‌شود:

روایت پس از حرف استفتاح «أما» (ابن هشام: ۱۳۷۸: ص۴۶) و سوگند با جمله شرط آغاز شده «اگر قرآن آنگونه که نازل شده قرائت می‌شد، نام ما را در آن می‌یافتید». مفهوم منطقی این شرط، چنین است که اگر قرآن «کما أنزل» قرائت نشود، نام ما در آن یافت نخواهد شد و از آنجا که امروزه اسامی اهل‌بیت علیهم‌السلام در قرآن نیست، پس قرآن تحریف شده و قرآن فعلی کما نُزِل، نیست .(عسال، ۱۴۲۷: ۳۳۶ و ۳۷۹)

روایت مزبور بدون ذکر سلسله سند و صرفاً در مسئله نهم کتاب المسائل السرویه شیخ مفید تحت عنوان «صیانه القرآن من التحریف» نقل شده (مفید، ۱۴۱۳: ۷۹) و در هیچ یک از کتب اربعه شیعه ثبت نشده، لذا روایت مرسل، فاقد اعتبار و حجیت است؛ (ربانی: ۱۳۹۴، ۸۹) و از منظر اعتبار سندی، قابل پذیرش نیست (موسوی، ۱۴۳۵: ۱۰۷) و از لحاظ حجیت صغروی محل اشکال جدّی است.

اما از حیث محتوایی، بر فرض اغماض از ضعف سند، ظرف معنایی این روایات غالباً ناظر بر حقیقت محتوا قرآن است که اگر با تبیین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرائت و فهم شود -نه راکد بر تلاوت لفظی صرف-، حقیقت امامت و ولایت در آن تبلور می‌یابد به نحوی که گویی اسامی اهل‌بیت در متن قرآن تصریح شده است. (ر.ک: فخلعی، ۱۳۸۳: ۳۳۶) توضیح آن که، قرآن امروز، همان الفاظ و آیاتی است که بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل گردیده است؛ امّا حقیقتِ قرآن واقعیتی فراتر از ظاهر الفاظ است؛ لذا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مأمور به شرح، تفسیر و تبیین مصادیق آن نیز بوده‌اند، (ر.ک: النحل: ۴۴) تا باطن و لایه‌های عمیق‌تر قرآن آشکار شود. بنابراین اگر قرآن آن گونه که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تبیین فرموده‌اند یعنی «کما أنزل»، خوانده شود، قطعاً مباحث امامت و ولایت امامان معصوم نیز در آن آشکار خواهد بود؛ زیرا آنچه پیامبر بیان داشته، عین وحی الهی و مصداق کلام حق است. (ر.ک: النجم: ۳-۴)

براین اساس، این روایات ناظر به باطن قرآن است و اگر بیان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار الفاظ قرآن در اختیار مردم قرار می‌گرفت، قرائت دیگری از قرآن، متمایز از قرائت رایج، قابل دسترسی بود که اوج آن در اشاره روشن به ولایت معصومان علیهم‌السلام تبلور می‌یافت(ر.ک: موسوی، ۱۴۳۵: ۱۰۸)؛ این همان قرائت نبوی و شیعی از قرآن است؛ حال آنکه اکتفا به

خواندن صرف الفاظ بدون دریافت تفسیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، قرائت حداقلی است که بعدها در مکتب خلفا رایج گردید و امکان تفاسیری مطابق با اغراض شخصی را فراهم ساخت.

علاوه بر این تعابیر «الْقُرْآنُ» و «لَأَلْفَيْتُمُونَا» در روایت و دلائل تاریخی چون جریان غدیر(حکیم، ۱۴۲۵: ۱۲۲) و دلائل قرآنی چون آیه ابلاغ (المائده: ۶۷) (ر.ک: خویی، ۱۳۹۵: ص۲۳۱) و عدم احتجاج ائمه به موضوع حذف نام ائمه از قرآن (ر.ک: خمینی، بی تا: ص۲۴۳) و اتخاذ موضعی قاطع نسبت به حذف این آیات(حکیم، ۱۴۲۵: ۱۲۲)، تقویت کننده فرض عدم ذکر صریح نام ائمه در متن قرآن و دلیلی است بر اینکه قرآن حاضر مصحف محفوظی است که دست تحریف و تغییر هرگز به آن راه نیافته است.

دو. قرائت قرآن در عصر ظهور آنگونه که نازل شده

برخی از روایاتی که حاوی عبارت «کما انزل» و موهم تحریف هستند حاکی از آنند که در زمان ظهورِ امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، قرآن به همان صورتی که نازل شده بود قرائت می‌شود. این روایات به «فَساطیط» معروف‌اند و کسانی کوشیده‌اند از آهنگ آن‌ها وجود نوعی تحریف را در قرآن به اثبات رسانند (ر.ک: مهدوی راد، محمدعلی: ۱۳۸۲، ۳۷۱). از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام روایت شده است:

«كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ». قُلْتُ: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! أَوَ لَيْسَ هُوَ كَمَا أُنْزِلَ؟!» فَقَالَ: «لَا مُحِيَ مِنْهُ سَبْعُونَ مِنْ قُرَيْشٍ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَمَا تُرِكَ أَبُولَهَبٍ إِلَّا إِزْرَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ لِأَنَّهُ عَمُّهُ» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۳۱۸)؛

این حدیث از جهت سند دچار ایراد است چه اینکه «حارث بن حصیرة» مجهول الحال است و «صباح بن قیس المزنی» زیدی مذهب است و به باور غضائری ضعیف است (حلی، ۱۴۱۷: ۳۶۰/۱).

با چشم پوشی از ضعف سند به مانند آنچه در نقل پیش آمد، این نقل نیز از جهت محتوا ناظر به حقیقت قرآن است.

در روایت خبر از آینده است. (كَأَنِّي بِالْعَجَمِ) یعنی روزگار ظهور، عجم‌ها هستند که

در مسجد کوفه پایگاه‌هایی برای تعلیم قرآن ایجاد می‌کنند. قرآنی که در میان اصحاب و عرب زبان‌ها نازل شده، رفته رفته حقیقت آن دگرگون می‌گردد و به جایی می‌رسد که غیر عرب‌ها باید بیایند و در مسجد کوفه به تعلیم حقیقت قرآن آنگونه که نازل شده بپردازند.

دلیل اینکه «کَمَا أُنْزِلَ» دال بر حقیقت قرآن است، تعجب راوی است؛ چه اینکه وی قرآنی که میان مردم بوده کما نزل می‌دانسته و هیچ تغییر ظاهری در آن را باور نداشته.

اما ظاهر کلام حضرت مبتنی بر حذف نام هفتاد نفر قریشی از قرآن، با ادله عدم تحریف قرآن تعارض دارد؛ که وجه جمع آن این است که این روایت ناظر به حقیقت و باطن قرآن است. همان گونه در روایات آمده است که یک چهارم قرآن، دربارۀ دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام است (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، ۲، ۶۲۸؛ ابن مغازلی، علی بن محمد، ۱۴۲۴، ۲۷۰) که چه بسا در تفسیر آیات توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به نام آنان تصریح شده بود و پس از تجرید قرآن از روایات تفسیری نام آنان از قرآن‌هایی که همراه تفسیر بود، حذف شده است (ر. ک: عسکری، مرتضی (الف): ۱۳۸۲، ۱۵۷/۱؛ همان (ب): ۱۳۸۷، ۲۲۹).

در روایت دیگری دراین باره آمده است:

رَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ علیه‌السلام ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ فَأَصْعَبُ مَا يَكُونُ عَلَى مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ» (مفید، ۱۴۱۳: ۲ / ۳۸۶)؛

این حدیث نیز، از لحاظ سندی مرسل و ضعیف است و جز در ارشاد شیخ مفید در هیچ کدام از منابع پیشین دیده نمی‌شود.

با چشم پوشی از ضعف سند، می‌توان گفت: امروزه بسیاری از مفاهیم بلند قرآن ناشناخته است، یا به آن‌ها عمل نمی شود لذا برنامۀ حکومت امام زمان علیه‌السلام نشر فراگیر فرهنگ ناب قرآن است. (خواندن، فهمیدن و عمل کردن). برپا داشتن خیمه هایی برای تعلیم قرآن به مردم به گونه ای که خدا نازل کرده، اشاره به نشر مفاهیم واقعی قرآن، دور از تحریف‌ها و کج اندیشی‌ها و برداشت های نادرست از قرآن است. این قسمت از روایت مشکلی ندارد اما آنچه به نظر می‌رسد در این روایت موهم تغییر نظم و ترتیب آیات قرآن

باشد، (فخلعی، ۱۳۸۳: ۳۳۷) (ر. ک: مفید، (ب) ۱۴۱۳: ۷۹) [۱] عبارت پایانی روایت است که می‌گوید، «یادگیری قرآنِ کما انزل الله در آن هنگام بر حافظان قرآن دشوار است، چه اینکه قرآنِ کما انزل الله، با آنچه حافظان در ذهن دارند در تألیف و گردآوری متفاوت است.»

مهدوی راد درباره این روایات می‌گوید:

> در این روایات واژه تألیف آمده نه ترتیب، علی ما انزل الله آمده، نه عبارت دیگر. بر اساس آنچه به اختصار درباره مصحف علی علیه‌السلام، گفته شد، مراد این روایات کاملاً روشن است؛ کسانی که با تفسیرها و تأویل‌های موجود دربارهٔ قرآن انس گرفته‌اند، ناگهان تفسیرها و تأویل‌هایی بر اساس وحی بیانی نبوی که در مصحف علی آمده، می‌شنوند و شگفت زده می‌شوند (مهدوی راد، محمدعلی: ۱۳۸۲، ۳۷۲).

نجارزادگان نیز پس از بررسی روایات مصحف حضرت علی علیه‌السلام و پس از اشاره به این دست از روایات می‌نویسد:

> حاصل آن که، وجود مصحف امام علی علیه‌السلام، بنا به مدارک و شواهد، قابل پذیرش است و از نظر محتوا، مشتمل بر تفسیر، تأویل، بیان شأن نزول و... می‌باشد، لیکن در متن آیات وحی با قرآن موجود هیچ تفاوتی نمی‌کند (نجارزادگان، فتح الله: ۱۳۸۷، ۷۲).

در نتیجه این احادیث برفرض صحت سند به دلیل مخالفت با اجماع مسلمانان مبنی بر عدم تحریف لفظی قرآن (ر. ک: خوئی، ابوالقاسم، بی تا، ۱۹۵ـ ۲۳۴) پذیرفتنی نیست. علاوه بر اینکه به نظر می‌رسد، عبارت پایانی این حدیث: «فأصعب ما یکون علی من حفظه الیوم، لأنّه یخالف فیه التألیف» سخن یکی از راویانِ حدیثِ مزبور است که برای توضیح بیشتر بر اساس برداشت خودش به پایان حدیث اضافه کرده است؛ چه اینکه وحیانی بودنِ نظم آیات در مصاحفِ رایج، با دلایل قاطع اثبات می‌شود؛ لذا ادعای تفاوت نظم

---

۱. احمد بن حجر عسقلانی در فتح الباری گوید: «گفته شده که علی علیه‌السلام قرآن را در پی مرگ پیامبر بر طبق ترتیب نزول گردآورده است». (عسقلانی، ۹، ۴۲) همچنین جلال الدین سیوطی در الاتقان در بحث از اختلاف ترتیب سوره‌ها در مصاحف سلف می نویسد: «علی علیه‌السلام مصحف خود را بر حسب ترتیب نزول تدوین کرده است.» (سیوطی، بی تا: ۱، ۵۷– ۵۸)

آیات در مصحف علی علیه‌السلام با مصحف کنونی (که از صدر اسلام تاکنون در بین مسلمانان رایج است) مردود است (ناصحیان، علی اصغر: ۱۳۹۱، ۶۷).

همچنین معجزه بودن قرآن برای همه عصرها و نسل ها، از جهت بیانی مرهون چینش دقیق و حساب شدهٔ آیات در سوره هاست و هر سوره دارای هدف هدایتی ویژه‌ای است که آیات آن، در راستای هدفِ مزبور ترتیب یافته است. لذا ادعای تغییر نظم ظاهری آیات و سور، به معنای مخدوش شدن نص قرآن و اعجاز آن است که چنین مطلبی باطل است (همان: ۶۸).

مؤید دیگری که می‌تواند معنای «کما انزل الله» را در روایات فوق روشن کند، روایتی است که ابن شهرآشوب از دستور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به جمع قرآن توسط امام علی علیه‌السلام نقل کرده است:

وَفِي أَخْبَارِ أَبِي رَافِعٍ: أَنَّ اَلنَّبِيَّ قَالَ فِي مَرَضِهِ اَلَّذِي تُوُفِّيَ فِيهِ لِعَلِيٍّ: «يَا عَلِيُّ! هَذَا كِتَابُ اَللَّهِ خُذْهُ إِلَيْكَ، فَجَمَعَهُ عَلِيٌّ فِي ثَوْبٍ؛ فَمَضَى إِلَى مَنْزِلِهِ؛ فَلَمَّا قُبِضَ اَلنَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَلَسَ عَلِيٌّ فَأَلَّفَهُ كَمَا أَنْزَلَهُ اَللَّهُ وَكَانَ بِهِ عَالِماً» (ابن شهرآشوب، (بی تا) ۲/ ۴۱)؛

تعبیر «فألّفه»، به معنای تألیف و گردآوری است. پوشیده نیست که حضرت علی علیه‌السلام در زمان حیات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله قرآن را به دستور و املای ایشان به همراه شأن نزول و تفسیر آن می‌نگاشت و هر سوره که تمام می‌شد تحویل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌داد و ایشان پشت محل خوابشان می‌گذاشت. پس میان سوره‌ها ترتیبی نبوده و حضرت علی علیه‌السلام پس از رحلت پیامبر آن‌ها را طی سه روز تألیف نموده است.

نتیجه

عبارت «کَما أنزَلَ الله» و تعابیر مشابه، در متون روایی مکرراً در توصیف قرآن کریم به کار رفته اند. از منظر معنایی، برای این عبارت چهار احتمال قابل تصور است: ۱) وقوع تحریف لفظی به نقصان، ۲) عدم تحریف و ثبات متن قرآن در طول زمان، ۳) لزوم قرائت صحیح و ادای درست الفاظ، ۴) کامل‌تر بودن قرآنی که شامل روایات تفسیری نیز باشد. از میان این

احتمالات، بطلان احتمال نخست بر اساس شواهد معتبر اثبات گردیده و سه احتمال دیگر می‌توانند با توجه به سیاق روایت معتبر باشند.

بر این اساس، عبارت «کما أنزَلَ الله» هرگز به این معنا نیست که قرآن موجود امروز، در مقایسه با قرآن زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، دچار نقص یا کمبود شده و یا در عصر ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرآنی جدید ارائه خواهد شد. همچنین، نسبت دادن این تعبیر به مصحف امام علی علیه‌السلام نیز دلالتی بر تفاوت با قرآن فعلی ندارد؛ بلکه اگر روایاتی بر این تفاوت اشاره کنند (با فرض صحت سند)، مقصود، روایات تفسیری است که خود ذیل معنای «کما أنزَلَ الله» قرار می‌گیرند.

در نتیجه، قرآن فعلی در دست مسلمانان، همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نازل شده و هیچ گونه کاستی یا افزایشی در آن راه نیافته است. بر همین اساس، در ادعیه مأثور بر حقانیت قرآن و «کما أنزَلَ الله» بودن آن تأکید گردیده، مخاطبان به قرائت آن توصیه شده و اقرار به این حقیقت در لحظه احتضار نیز سفارش شده است.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی زینب، محمد، (۱۳۹۷ش)، **الغیبه**، تهران، نشر صدوق.

ابن بابویه، محمد، (۱۴۱۴ق)، **الإعتقادات الإمامیه**، قم، کنگرهٔ شیخ مفید.

ابن شهرآشوب، محمد، (بی تا)، **المناقب**، قم، علامه.

ابن فهد حلی، احمد، (۱۴۰۷ق)، **عدّة الدعای و نجاة الساعی**، تهران، دار الکتب الإسلامی.

ابن مغازلی، علی، (۱۴۲۴ق)، **مناقب الإمام علی بن ابی طالب** علیهم‌السلام، بیروت، دار الأضواء.

ابن هشام، عبدالله، (۱۳۷۸ش)، **مغنی الادیب**، قم، نهاوندی.

ایازی، محمدعلی، (۱۳۸۰ش) مصحف امام علی علیه‌السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.

حکیم، محمدباقر، (۱۴۲۵ق)، **علوم القرآن**، قم، مجمع الفکر الإسلامی.

حلی، حسن، (علامه حلی)، (۱۴۱۷ق)، **خلاصة الاقوال في معرفة الرجال**، تحقیق: جواد القیومي، قم، مؤسسة نشر الفقاهة.

حیاتی، مهدی و... **بررسی معنای کتاب در روایت علوی «هذا کتاب ربکم...»**، فصلنامه تخصصی مطالعات

قرآن و حدیث سفینه، سال۲۱، شماره۸۲، بهار۱۴۰۳.
خمینی، روح الله، **انوار الهدایه**، (بی تا) قم، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
خویی، ابوالقاسم، (۱۳۹۵ق) **البیان فی تفسیر القرآن**، قم، مؤسسة إحیاء آثار الإمام الخوئی.
دیلمی، حسن، (۱۴۱۲ق)، **ارشاد القلوب الی الصواب**، قم، الشریف رضی.
ربانی، محمدحسن، (۱۳۹۴ش)، دانش **درایة الحدیث**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
سیوطی، جلال الدین، (بی تا) **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت، دارابن کثیر.
صفار، محمد، (۱۴۰۴ق)، **بصائر الدرجات في فضائل آل محمّد صلّی الله علیهم**، قم، مکتبة آیة الله المرعشي النجفي.
طبری، محمد، (۱۴۱۳ق)، **دلائل الإمامة**، قم، بعثت.
طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحکام**، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
عسال، محمد، (۱۴۲۷ق) **الشیعة الاثنی عشریة و منهجهم فی تفسیر القرآن الکریم**، بی جا، منصور.
عسقلانی، احمد، (۱۳۷۹)، **فتح الباری فی شرح صحیح البخاری**، بیروت، دار المعرفه.
عسکری، مرتضی (الف) (۱۳۸۲ق)، **نقش ائمه در احیاء دین**، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
ـــــ (ب) (۱۳۸۷ق)، **برگسترۀ کتاب و سنت**، قم، اصول الدین.
فخلعی، محمدتقی، (۱۳۸۳ش)، **مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی**، تهران، مشعر.
قمی، علی، (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، قم، دارالکتاب.
کلینی، محمد، (۱۴۰۷ق) **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
کوفی، فرات، (۱۴۱۰ق)، **تفسیر فرات الکوفی**، تهران، مؤسسة الطبع و النشر.
معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۹ش)، **تحریف ناپذیری قرآن**، علی نصیری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها(سمت)
ـــــ، (۱۳۸۸ش)، **التمهید فی علوم القرآن**، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
مفید، محمد، (۱۴۱۳ق) (الف)، **الأمالی**، قم، کنگرۀ شیخ مفید.
ـــــــ، (ب) **المسائل السرویه**، قم، المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید.
موسوی، عبدالرحیم، (۱۴۳۵ق) مصونیت قرآن کریم از تحریف، قم، مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام.
مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۲ش) **آفاق تفسیر**، تهران، هستی نما.
ناصحیان، علی اصغر (۱۳۹۱ش)، **کاوشی نو در جمع قرآن**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
نجارزادگان، فتح الله، (۱۳۹۸)، (الف) **علوم قرآنی۲**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
ـــــ، (۱۳۸۷)، (ب) **تحریف ناپذیری قرآن**، تهران، مشعر.
یعقوب، امیل بدیع، (۱۳۶۷ش)، **موسوعة الصرف و النحو و الإعراب**، بیروت، دار العلم للملایین.